



گر نجات خویش خواهی در سفینه‌ی نوح شو ...

یادداشتی پیرامون شعر آیینی و بررسی تاریخی این گونه‌ی شعری (بخش اول : کسایی)

یوسف پینا

شعرهای آیینی را از نظر بگذرانیم، شاید این گونه باشد که شاعر به ازای هر شعر یک یا چند هدف را دنبال می‌کرده است، ولی چنانچه پیشتر ذکر شد، مقاصد چون مبارزه، تبلیغ و احیای سنن مذهبی از اکثر شعرهای آیینی انتظار می‌رود.

در سیر تاریخی شعر آیینی نیز همین چند شاخصه عمده تکرار شده است. اگر در شعر معاصر دقت کنیم، به شعرهایی با گرایشهای دینی، مذهبی و عرفانی برمی‌خوریم که همچنان همان ویژگیهای عمده را دارند؛ ویژگیهایی که به نوعی قصد شاعر از پرداختن به این گونه مضامین است. در سالهای اول دهه پنجاه، نعمت آرم، تحت تاثیر اندیشه‌های شریعتی، با استفاده از پشتوانه‌های دینی شعرهایی با مضمون مبارزه با حکومت پهلوی می‌سراید و محمدرضا شفیعی کدکنی، عناصری از عرفان ایرانی اسلامی را در شعر خود بازآفرینی می‌کند و در سطحی دیگر علی موسوی گرمارودی، در آثار خود به نوعی تازه از شعر مدحی دست می‌یابد که در ستایش ائمه دین است. در سالهای پس از انقلاب اسلامی نیز همت بخش عمده‌ای از شاعران انقلاب، معطوف به مضامین دینی و مذهبی و بیشتر با هدف احیای سنن مذهبی و استفاده روزآمد از این اندیشه‌ها شد. شعرهای سلمان هراتی،

می‌توان شعر آیینی را این گونه تعریف کرد: «شعری که محل بروز و ظهور عاطفی اندیشه‌های متافیزیکی شاعر باشد.» این ظهور و بروز می‌تواند به قصد انتشار، تبلیغ، مبارزه فرهنگی، احیای سنتهای دینی و مذهبی و یا صرفاً ناشی از اعتقادات درونی شاعر باشد.

شاید هیچ کس از هیچ شاعری نپرسیده باشد که مثلاً فلان موضوع را چرا در شعرت مطرح کردی و یا چرا به چنین عواطف و اندیشه‌هایی پرداخته‌ای؟ اما دقت و نگاه دقیق به برخی شعرها می‌تواند ما را به شناخت هدف شاعر نزدیک‌تر کند. به عنوان مثال، با نگاهی به شعر ناصر خسرو درمی‌یابیم که قصد شاعر از سرودن آن قصاید، جز تبلیغ اندیشه‌های مذهبی، نوعی مبارزه فرهنگی با عقاید مذهبی رایج در زمانه شاعر است که وی این عقاید را باطل دانسته و در صدد اصلاح آنها برآمده است. و یا اگر ترکیب بند محتشم کاشانی و شرایط تاریخی خلق این اثر را بررسی کنیم، قصد شاعر را قصدی متفاوت با قصد ناصر خسرو در سرودن شعر با مضمون مذهبی خواهیم یافت. می‌دانیم که محتشم ترکیب بند مشهورش را به اشاره شاه تهماسب صفوی و به منظور احیای سنت عزاداری و بزرگداشت شهدای کربلا سروده است. بدین ترتیب، اگر شعرها و موقعیت تاریخی شاعران سراینده

قیصر امین پور و حسن حسینی از این گونه است.

در مطالعه تاریخ ادبیات ایران و در صف پیشاهنگان شعر فارسی، نخستین شاعری که سراینده شعر آیینی است و یا به عبارتی بهتر، مضامین دینی و مذهبی از مضامین اصلی شعر اوست، کسایی مروزی، شاعر قرن چهارم هجری است. اگرچه وصف طبیعت و طرح مسایل حکمی، همانند اکثر شعرهای سبک خراسانی، از مضامین شعرهای کسایی است، اما وجه تمایز وی با تقریباً همه شاعران قبل و همزمان خود در به کارگیری عواطف و اندیشه های مذهبی در شعر است.

نام کامل او «حکیم ابوالحسن یا ابواسحاق کسایی مروزی» است. متولد سمرقند و از اهالی مرو بود. وی از شاعران اواخر عهد سامانیان و اوایل غزنویان به شمار می آید. کسایی در آغاز شاعری مداح و درباری بوده و در میان سالی از این گونه شعرها پشیمان شده و به سرودن شعرهایی با مضامین وعظ و حکمت و مذهب پرداخته است.

از میان اشعار کسایی تعداد زیادی باقی مانده است و شعرهایی که اکنون از این شاعر در دست است همان اشعار پراکنده در تذکره ها و لغت نامه ها و کتابهای ادبی است. از مجموع همین اشعار موجود می توان دریافت که او از شاعران برجسته و از استادان زمانه خود بوده و در ابداع مضامین و بیان معانی و توصیفات و تشبیهات لطیف طبیعی، مهارت بسیار داشته است. کسایی گذشته از توصیفات و مدایح شیوایی که سروده، در موعظه و حکمت هم نخستین شاعری است که توانست این نوع شعر را به مراحل مهمی از پیشرفت و کمال در قرن چهارم برساند و مقدمه ظهور شاعرانی از قبیل ناصر خسرو شود. وی را پیرو رودکی و پیشرو ناصر خسرو دانسته اند.

کسایی بنا بر آنچه از اشارات علما و نویسندگان قدیم شیعه بدست آمده معتقد به مذهب تشیع بوده است. علاوه بر این که محققان او را بر مذهب شیعه اثنی عشری دانسته اند، این اعتقاد در چند شعر وی به وضوح مشهود است:

مدحت کن و بستای کسی را که پیمبر
بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار
آن کیست بدین حال و که بوده ست و که باشد
جز شیر خداوند جهان حیدر کرار
این دین هدی را به مثل دایره ای دان
پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار
علم همه عالم به علی داد پیمبر
چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار ...

کسانی که دیوان اشعار کسایی را قبل از قرن ششم

خوانده اند، آن را پر از ستایش پیامبر و اهل بیت توصیف کرده اند. بررسی همین اشعار موجود این نکته را نیز تایید می کند که نخستین قصیده های فارسی در مدح و مرثیه بزرگان دین در دیوان کسایی یافته می شود و همین امر باعث شده که محققان وی را پیشاهنگ شعر آیینی در تاریخ ادبیات فارسی بدانند.

شعر زیر سرآغاز قصیده ای است سروده کسایی مروزی با موضوع ولایت امام علی (علیه السلام) و فرزندان او:

فهم کن گر مومنی فهم امیرالمؤمنین
فضل حیدر، شیر یزدان، مرتضای پاکدین
فضل آن کس کز پیمبر بگذری فاضل تر اوست
فضل آن رکن مسلمانی، امام المقتنین ...
گر نجات خویش خواهی در سفینه ی نوح شو
چند باشی چون رهی تو بنیوی دل رهین
دامن اولاد حیدر گیر و از طوفان مترس
گرد کشتی گیر و بنشان این فرع اندر پسین
بی تولا بر علی و آل او دوزخ تو راست
خوار و بی تسلیمی از تسنیم و از خلد برین ...

منابع:

- ۱- اشعار حکیم کسایی مروزی و تحقیقی در زندگی و آثار او، مهدی درخشان.
- ۲- تاریخ ادبیات در ایران (جلد اول)، ذبیح الله صفا.
- ۳- تاریخ ادبیات ایران، محمدجعفر یاحقی.
- ۴- کسایی مروزی، زندگی، اندیشه و شعر او، محمدامین ریاحی.

